ایران
Iran Newspaper

اپستین و الیگارشی آمریکایی؛ یک فرجام تلخ

پرونده جفری اپستین شاید ورای یک رسوایی اخلاقی یا جنایت فردی، باید به عنوان یک نقطه عطف در درک ساختار قدرت در ایالات متحده فهم شود. این پرونده پرده از وجود یک الیگارشی پیچیده برمی‌دارد که در آن مرزهای میان امور مالی، فناوری، سیاست و نهادهای اطلاعاتی به شدت محو شده است. واکاوی این شبکه نشان می‌دهد که قدرت در آمریکا نه از طریق نهادهای رسمی، بلکه از طریق پیوندهای غیررسمی و پنهانی توزیع می‌شود که در آن نخبگان اقتصادی و سیاسی با برخورداری از نوعی مصونیت ساختاری، فراتر از قوانین عادی فعالیت می‌کنند. اسناد افشا شده در سال‌های ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۶، به‌ویژه تحت «قانون شفافیت پرونده اپستین»، ابعاد جدیدی از این تمرکز قدرت را نمایان کرده است که می‌تواند به بازتعریف روابط قدرت در میان نخبگان آمریکایی منجر شود.

روند برکشیده شدن اپستین و استراتژی نفوذ

برخلاف روایت‌های رسمی که اپستین را صرفاً یک سرمایه‌دار خودساخته معرفی می‌کنند، تحلیل عمیق‌تر نشان می‌دهد که صعود او محصول مستقیم حفره‌های موجود در نهادهای نخبگانی است. اپستین کار خود را در مدرسه دالتون آغاز کرد، جایی که علیرغم نداشتن مدرک تحصیلی رسمی، به تدریس فیزیک و ریاضیات پرداخت. پیوند او با آلن گرینبرگ، مدیر اجرایی بیر استرنز (Bear Stearns) از همین دوره و از طریق تدریس به فرزندان نخبگان وال استریت آغاز شد.

اپستین در سال ۱۹۷۶ به عنوان دستیار جزیی در بخش معاملات گزینه به شرکت بیر استرنز پیوست و به سرعت به دلیل توانایی‌های فروشندگی و تحلیل استراتژی‌های کاهش مالیات برای مشتریان ثروتمند، به جایگاه شریک محدود دست یافت. اگرچه او در سال ۱۹۸۱ به دلیل اتهامات مربوط به واهام‌های مشکوک و معاملات داخلی از این شرکت جدا شد، اما این دوره به او اجازه داد تا با نخبگانی چون ادگار برونفمن پیوند برقرار کند و الفبای مدیریت ثروت در سطوح کلان را بیاموزد.

وکسنر: کلید ورود به الیگارشی

حیاتی‌ترین پیوند اپستین با لزلی وکسنر، میلیاردر امپراطوری ویکتوریا سکرت شکل گرفت. در اواخر دهه ۱۹۸۰، اپستین علیرغم هشدارهای مشاوران مالی وکسنر مانند هارولد لوین که او را «موش» خطاب کرده بود، توانست اعتماد مطلق وکسنر را جلب کند. وکسنر وکالت تام‌الاختیار دارایی‌های عظیم خود را به اپستین داد که عملاً به معنای برون‌سپاری حاکمیت مالی یکی از ثروتمندترین مردان آمریکا به فردی با سوابق مبهم بود. این رابطه نه تنها ثروت مادی اپستین را تأمین کرد (از جمله تملک عمارت منهتن وکسنر)، بلکه او را مهر تأیید لازم برای ورود به بالاترین حلقه‌های اجتماعی و سیاسی را بخشید.

تحلیل رسانه‌های جریان اصلی و انتقادی نشان می‌دهد که الیگارشی آمریکایی از طریق شبکه‌هایی مانند Edge فعالیت می‌کند که توسط حزب بروکمن اداره می‌شود. این شبکه بیشتری را برای باهوش‌ترین، ثروتمندترین و قدرتمندترین افراد کشور می‌کرد تا در شاخص‌های میلیاردها با یکدیگر پیوند برقرار کنند.

اپستین با سرمایه‌گذاری‌های استراتژیک و اهدای کمک‌های مالی به بنیادهایی مانند Edge خود را به عنوان حامی علوم پیشرو و فناوری‌های نوین معرفی کرد. اسناد نشان می‌دهند که او حتی پس از محکومیت سال ۲۰۰۸، همچنان با رهبران سیلیکون ولی در ارتباط بوده است.

ارتباط اپستین با لری سامرز، وزیر سابق خزانه‌داری آمریکا، نمونه‌ای بارز از چگونگی عملکرد الیگارشی به عنوان یک انجمن حمایت متقابل است. ایمیل‌های افشا شده در سال ۲۰۲۵ نشان می‌دهند که سامرز با اپستین به عنوان «محرم اسرار» و یکدیگر مکاتبه می‌کردند و سامرز در مورد مسائل شخصی و سیاسی از او مشورت می‌گرفت. این روابط نشان‌دهنده نوعی بی‌تفاوتی نخبگانی نسبت به جرایم اپستین است، جایی که توانایی او در تسهیل روابط و مدیریت سرمایه، برسوابق جنایی‌اش ارجحیت داشته است.

رسانه‌های انتقادی اپستین

در حالی که رسانه‌های جریان اصلی بر آسیب‌شناسی فردی جرایم اپستین تمرکز دارند، رسانه‌های انتقادی مانند MintPress، Dropsite News و The Grayzone با بررسی ساختاری این پرونده پرداخته‌اند. تحلیل‌های وبنتی وب در مجموعه «یک ملت تحت باج‌گیری» استدلال می‌کند که فعالیت‌های اپستین محصول دهه‌ها پیوند میان سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل با شبکه‌های جنایت سازمان‌یافته است.

طبق این دیدگاه، اپستین نه به عنوان یک فرد مستقل، بلکه به عنوان یک «دارایی اطلاعاتی» عمل می‌کرده است که وظیفه داشت از طریق عملیات «تله عسل» افراد قدرتمند را در موقعیت‌های آسیب‌پذیر قرار داده و از آنها برای تأمین منافع نهادهای اطلاعاتی خارجی یا داخلی باج‌گیری کند. گزارش‌های Grayzone به طور خاص به نقش شاهزاده اندرو به عنوان یک «احمق مفید» اشاره می‌کنند که از طریق او اطلاعات حساسی از خانواده سلطنتی بریتانیا و سیاستمداران تراز اول به شبکه‌های اطلاعاتی منتقل شده است. ارتباط اپستین با شرکت‌های فناوری نظارتی مانند Carbyne (که با ایهود باراک و پیتر تیل مرتبط است) نشان‌دهنده تلاش او برای ادغام با زیرساخت‌های نظارتی مدرن است. این پیوندها اثبات می‌کنند که الیگارشی مورد بحث تنها به دنبال ثروت نیست، بلکه به دنبال ابزارهای فناورانه برای حفظ قدرت و کنترل از طریق داده‌های بزرگ و سیستم‌های پیش‌بینی‌گر است.

چه کسانی در معرض خطر هستند؟

با تصویب «قانون شفافیت پرونده اپستین» در اواخر سال ۲۰۲۵، سیستم حفاظتی الیگارشی با شکاف‌های جدی مواجه شده است. انتشار بیش از سه میلیون سند در ژانویه ۲۰۲۶، بسیاری از چهره‌های قدرتمند را در معرض پاسخگویی قرار داده است.

افشاگری‌ها در مورد لری سامرز منجر به کناره‌گیری او از زندگی عمومی و استعفا از سمت‌های مدیریتی بزرگ مانند OpenAI شده است. این موضوع شاید پیانگر این است که الیگارشی در حال از دست دادن توانایی خود برای عادی‌سازی مجرمان در میان خود است. فشار افکار عمومی و اسناد غیرقابل انکار، نهادهایی مانند هاروارد و آوآی را مجبور کرده است تا در مورد پذیرش کمک‌های مالی و پیوندهای مشورتی با نخبگان مشکوک تجدیدنظر کنند.

اسناد منتشر شده در سال ۲۰۲۵ فاش کردند که اپستین و اطرافیانش تلاشی هماهنگ برای دستکاری نتایج موتورهای جست‌وجو و ویکی‌پدیا انجام داده‌اند. آنها با استخدام شرکت‌های روابط عمومی بین‌المللی مانند Osborne & Partners سعی داشتند تصویر اپستین را از یک مجرم جنسی به یک فیلسوف مالی و حامی علم تغییر دهند. این دست‌وشوی شهرت از طریق انتشار مقالات سفارشی در رسانه‌هایی مانند هافینگتون پست و ایجاد بنیادهای خیریه صوری انجام می‌شد که هدف آن گمراه کردن افکار عمومی و بازگرداندن او به چیزی که تحت عنوان جامعه مؤدب شناخته می‌شود، بوده است.

> اپستین نه به عنوان یک فرد مستقل، بلکه به عنوان یک «دارایی اطلاعاتی» عمل می‌کرده است که وظیفه داشت از طریق عملیات «تله عسل» افراد قدرتمند را در موقعیت‌های آسیب‌پذیر قرار داده و از آنها برای تأمین منافع نهادهای اطلاعاتی خارجی یا داخلی باج‌گیری کند

آینده الیگارشی چه می‌شود؟

افشاگری‌های سال ۲۰۲۶ نشان‌دهنده یک بحران مشروعیت بی‌سابقه برای جریان الیگارشی آمریکایی و پیوندهای آن است. اگرچه وزارت دادگستری آمریکا در جولای ۲۰۲۵ تلاش کرد با انتشار یادداشتی وجود «لیست مشتریان» را رد کند و مرگ اپستین را خودکشی قطعی بداند، اما فشار کنگره و قربانیان منجر به ابطال این روایت و انتشار گسترده اسناد شد.

نتیجه‌گیری تحلیل‌ها حاکی از آن است که اگرچه بخش‌هایی از این الیگارشی ممکن است با قربانی کردن مهره‌های سوخته (مانند شاهزاده اندرو یا لئون بلک) سعی در حفظ کلیت سیستم داشته باشند، اما پیوند خوردن این پرونده با مسائل امنیت ملی و باج‌گیری اطلاعاتی، ابعادی را گشوده است که مهار آن برای ساختار قدرت بسیار دشوار خواهد بود. شفافیت حاصل از اسناد ۲۰۲۶ نیز تنها افراد، بلکه مکانیسم‌های پنهانی را هدف قرار داده است که اجازه می‌داد چنین شبکه‌ای برای دهه‌ها در قلب دموکراسی آمریکا فعالیت کند. پایان اپستین، پایان شبکه او نیست و احتمالاً آغاز دورانی است که در آن الیگارشی باید میان انتخاب شفافیت اجباری و فروپاشی ساختاری در نوسان باشد. شاید حالا پیوندهای پنهان به شواهد آشکار تبدیل شده‌اند و تمرکز قدرتی که زمانی ابزار بقا بود، اکنون به پاشنه آشیل این الیگارشی تبدیل شده است.

شبکه تاریک قدرت و ثروت

رسوایی پرونده جفری اپستین چه زوایایی از ابعاد پیدا و پنهان الیگارشی آمریکا و نفوذ در شبکه قدرت جهانی را به نمایش می‌گذارد

پرونده

همه چیز از گزارش یک دختر ۱۴ ساله در پالم‌بیچ آمریکا شروع شد؛ اما آنچه که پرونده اپستین را به یکی از جنجالی‌ترین رسوایی‌های سیاسی- جنایی تاریخ تبدیل کرد، نه فقط مربوط به موضوع سوء استفاده جنسی از زنان و کودکان بلکه شبکه‌سازی گسترده اپستین از سران جهان در انجام شنیع‌ترین رفتارهای ضد انسانی است. این جنایتکار مرموز انگار بیش از آنکه شکارچی کودکان بوده باشد، بیشتر شکارگر سیاستمداران مطرح جهانی بوده است. حالا کوبی تقریباً تمامی «نظریه‌های توطئه» درباره نخبگان جهانی به واقعیت تبدیل شده‌اند؛ توافقی پنهانی، مجازاتی سبک، بازداشت دوباره، و مرگی که هنوز پرسش‌هایش پاسخ داده نشده است. در تاریخ ۱۰ اوت ۲۰۱۹، پیش از آن که محاکمه فدرال اپستین برگزار شود، نگهبانان زندان فدرالی در نیویورک جسد او را در سلولش یافتند. گزارش رسمی پزشکی قانونی، علت مرگ را خودکشی به‌راتر خلق‌آویز کردن اعلام کرد. این در حالی بود که اپستین به‌تازگی (پس از یک تلاش ناموفق برای خودکشی در زوئیه) از نظارت ویژه جلوگیری از خودکشی خارج شده و سلول انفرادی‌اش بدون دوربین فعال و ماه‌بتدی بود. سهل‌انگاری‌های امنیتی مانند غفلت نگهبانان در سرکشی دوره‌ای و نقص سیستم نظارتی به سرعت آشکار شد و دو مأمور بازداشتگاه بعداً به کوتاهی در انجام وظیفه متهم شدند. مرگ ناگهانی اپستین، آن هم در چنین شرایط حساس و پرسش‌برانگیز، بلافاصله موجی از تئوری‌های توطئه و گمانه‌زنی‌ها را دامن زد. برخی معتقد بودند افرادی برنفوذ که از افشای اسرارشان هراس داشتند، در حذف فیزیکی او نقش داشته‌اند. عبارت کنایه‌آمیز «اپستین خودش را نکشت» در شبکه‌های اجتماعی همه‌گیر شد.

با این حال، تحقیقات رسمی اف‌بی‌آی و وزارت دادگستری نتیجه گرفتند که مرگ او خودخواسته بوده است. به‌رغم این نتیجه‌گیری، به علت ابهامات موجود، پرونده مرگ اپستین همچنان یکی از جنجالی‌ترین موارد در افکار عمومی باقی مانده است. تقریباً پنج دهه بعد، و پیش از شش سال پس از مرگش، اپستین به یک وسواس آمریکایی تبدیل شده است. این شیفتگی عمومی تنها پس از آن تشدید شد که دونالد ترامپ در ابتدای امسال از انتشار سوابق تحقیقات فدرال در مورد این مجرم جنسی بدنام خودداری کرد. قبل از اینکه تحت فشارها از این تصمیم خود عقب‌نشینی کند، بخش عمده‌ای از ربع قرن گذشته زندگی اپستین به دقت بررسی شده است. از جمله اینکه چگونه در دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰، او از طریق کار برای غول خرده‌فروشی، لزلی وکسنر، صدها میلیون دلار جمع‌آوری کرد. این حال، درک صحیح از ماهیت واقعی او در حالی‌که‌ای از ابهام قرار دارد. چگونه یک دانشجوی تاریخ تحصیل کرده از بروکلین به اوج امور مالی، سیاسی و اجتماعی آمریکا رسید؟ چگونه اپستین از نزدیک شدن به اخراج در شرکت بیر استرنز به مدیریت ثروت مایلیاردها رسید؟ ریشه‌های ثروت خودش چه بود؟

مخفی نگه داشتن جزئیات توافق و جزئیات نادرای از کم‌وکیف رسیدگی پنهانی را فاش کرد. فاسکاری‌های مبامی هرالد خشم عمومی را تجدید کرد و پرسش‌های جدیدی درباره چگونگی فرار اپستین از مجازات واقعی برانگیخت. تحت فشار افکار عمومی و با بیدایش افشاگری‌های تازه، مقامات قضایی این‌بار در نیویورک تصمیم گرفتند که از افشای اسرارشان هراس داشتند، در حذف فیزیکی او نقش داشته‌اند. عبارت کنایه‌آمیز «اپستین خودش را نکشت» در شبکه‌های اجتماعی همه‌گیر شد.

با این حال، تحقیقات رسمی اف‌بی‌آی و وزارت دادگستری نتیجه گرفتند که مرگ او خودخواسته بوده است. به‌رغم این نتیجه‌گیری، به علت ابهامات موجود، پرونده مرگ اپستین همچنان یکی از جنجالی‌ترین موارد در افکار عمومی باقی مانده است. تقریباً پنج دهه بعد، و پیش از شش سال پس از مرگش، اپستین به یک وسواس آمریکایی تبدیل شده است. این شیفتگی عمومی تنها پس از آن تشدید شد که دونالد ترامپ در ابتدای امسال از انتشار سوابق تحقیقات فدرال در مورد این مجرم جنسی بدنام خودداری کرد. قبل از اینکه تحت فشارها از این تصمیم خود عقب‌نشینی کند، بخش عمده‌ای از ربع قرن گذشته زندگی اپستین به دقت بررسی شده است. از جمله اینکه چگونه در دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰، او از طریق کار برای غول خرده‌فروشی، لزلی وکسنر، صدها میلیون دلار جمع‌آوری کرد. قبل از اینکه تحت فشارها از این تصمیم خود عقب‌نشینی کند، بخش عمده‌ای از ربع قرن گذشته زندگی اپستین به دقت بررسی شده است. از جمله اینکه چگونه در دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰، او از طریق کار برای غول خرده‌فروشی، لزلی وکسنر، صدها میلیون دلار جمع‌آوری کرد. این حال، درک صحیح از ماهیت واقعی او در حالی‌که‌ای از ابهام قرار دارد. چگونه یک دانشجوی تاریخ تحصیل کرده از بروکلین به اوج امور مالی، سیاسی و اجتماعی آمریکا رسید؟ چگونه اپستین از نزدیک شدن به اخراج در شرکت بیر استرنز به مدیریت ثروت مایلیاردها رسید؟ ریشه‌های ثروت خودش چه بود؟

اپستین: از آغاز دستگیری تا پایان

در مارس ۲۰۰۵، پلیس شهر پالم بیچ فلوریدا تحقیقاتی را درباره اپستین آغاز کرد؛ خانواده یک دختر ۱۴ ساله گزارش دادند که او در عمارت اپستین مورد آزار قرار گرفته است. پلیس پالم بیچ در سه ۲۰۰۶ شواهد کافی برای طرح اتهام علیه اپستین به اتهام ارتکاب چندین فقره سوءاستفاده جنسی از کودکان گردآوری کرد. با این حال، «بری کریشر» دادستان ایالتی وقت به جای طرح مستقیم اتهامات، پرونده را به یک جهات منصفه فرستاد که خود امری غیرمعمول بود.

در ژوئیه ۲۰۰۶، هیات منصفه ایالتی تنها یک مورد اتهام «جلب کودک برای روسپی‌گری» علیه اپستین اعلام و پلیس او را دستگیر کرد. این اتهام سبک در قیاس با گستره جرایم افشاشده بلافاصله به انتقاد شدید روبه‌رو شد. مقامات پلیس فلوریدا عملاً دادستان را متهم کردند که با ملایمت بیش از حد، شرایط ویژه‌ای برای اپستین قائل شده و در عمل به او «تخفیف ویژه» داده است. این اتهام بعاً ضد پلیس فدرال (اف‌بی‌آی) نیز به صورت موازی وارد تحقیقات شود.

همزمان، دادستان‌های فدرال در مواضعی نیویورک اکساندر آنکوسا (دادستان ایالات متحده در منطقه نیویورک) از این وضعیت بهبود یابند؛ زیرا رسوایی ناشی از آن «آنها را برای همیشه دفن خواهد کرد». منبع اولیه هشدار داد: «اگر حقیقت بی‌قید و شرط منتشر شود، مردم بریتانیا سعی خواهند کرد خانواده سلطنتی را استیضاح کنند. به هر حال، بسیاری از تخلفات اندرو با هزینه مالیات‌دهندگان بریتانیایی انجام شده است.»

سرانجام در ژوئن ۲۰۰۸، این توافق محرمانه منعقد شد: اپستین در دادگاه ایالتی به دو فقره اتهام جزئی (یک مورد درخواست روسپی‌گری و یک مورد درخواست روسپی‌گری از فرد زیر ۱۸ سال) اقرار کرد و به ۱۸ ماه حبس محکوم شد. در حالی که دادستانی فدرال موافقت کرد از پیگرد جرایم فدرال او خودداری کند.

این توافق محرمانه معروف به توافق عدم تعقیب قضایی (NPA) نه تنها اپستین، بلکه همدستان احتمالی او را نیز در برابر تعقیب فدرال مصون می‌کرد. بنا به این معامله پرسش‌برانگیز، اپستین بخش اعظم محکومیت کوتاه خود را نیز در طرح آزادی کاری سپری کرد؛ به‌گونه‌ای که روزها آزادانه به دفتر کارش می‌رفت و فقط شب‌ها را در زندان ایالتی می‌گذراند. او پس از حدود ۱۳ ماه زندان آزاد شد.

اینکه یک میلیاردر بانفوذ از مجازات تجاوز به کودکان و قاچاق جنسی بین‌المللی فرار در بود فقط یک قضاوت ضعیف نیست بلکه یک شکست رقت‌انگیز است.

سال‌ها بعد روشن شد که دادستان‌های فدرال هنگام توافق، حق وقوع قوانین را نادیده گرفته بودند؛ آنان بدون اطلاع قربانیان، معامله را نهایی کردند که نقض آشکار «قانون حقوق قربانیان» بود. یک دهه پس از این ماجرا، در فروم ۲۰۱۹ یک قاضی فدرال رأی داد که دادستان‌های تحت امر آنکوسا با اصلی) در داد خواست‌های خود ادعا کرد که از ۱۷ سالگی توسط اپستین و دوست دختر کیسلین ماکسول به شبکه‌ای از سوءاستفاده جنسی و قاچاق به حلقه افراد بانفوذ از اعضای خانواده سلطنتی گرفته تا سیاستمداران و بازرگانان وارد شده بود.

نقطه عطف ماجرا در نوامبر ۲۰۱۸ رقم خورد؛ روزنامه میامی هرالد با انتشار یک مجموعه گزارش تحقیقی مفصل، بار دیگر پرونده اپستین را به صدر توجهات بازگرداند. این گزارش هرا بویژه بر نقش آکوسا در اعطای آن «توافق فوق‌العاده مساعد» تمرکز داشت و جزئیات نادرای از کم‌وکیف رسیدگی پنهانی را فاش کرد. فاسکاری‌های مبامی هرالد خشم عمومی را تجدید کرد و پرسش‌های جدیدی درباره چگونگی فرار اپستین از مجازات واقعی برانگیخت. تحت فشار افکار عمومی و با بیدایش افشاگری‌های تازه، مقامات قضایی این‌بار در نیویورک تصمیم گرفتند که از افشای اسرارشان هراس داشتند، در حذف فیزیکی او نقش داشته‌اند. عبارت کنایه‌آمیز «اپستین خودش را نکشت» در شبکه‌های اجتماعی همه‌گیر شد.

با این حال، تحقیقات رسمی اف‌بی‌آی و وزارت دادگستری نتیجه گرفتند که مرگ او خودخواسته بوده است. به‌رغم این نتیجه‌گیری، به علت ابهامات موجود، پرونده مرگ اپستین همچنان یکی از جنجالی‌ترین موارد در افکار عمومی باقی مانده است. تقریباً پنج دهه بعد، و پیش از شش سال پس از مرگش، اپستین به یک وسواس آمریکایی تبدیل شده است. این شیفتگی عمومی تنها پس از آن تشدید شد که دونالد ترامپ در ابتدای امسال از انتشار سوابق تحقیقات فدرال در مورد این مجرم جنسی بدنام خودداری کرد. قبل از اینکه تحت فشارها از این تصمیم خود عقب‌نشینی کند، بخش عمده‌ای از ربع قرن گذشته زندگی اپستین به دقت بررسی شده است. از جمله اینکه چگونه در دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰، او از طریق کار برای غول خرده‌فروشی، لزلی وکسنر، صدها میلیون دلار جمع‌آوری کرد. قبل از اینکه تحت فشارها از این تصمیم خود عقب‌نشینی کند، بخش عمده‌ای از ربع قرن گذشته زندگی اپستین به دقت بررسی شده است. از جمله اینکه چگونه در دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰، او از طریق کار برای غول خرده‌فروشی، لزلی وکسنر، صدها میلیون دلار جمع‌آوری کرد. این حال، درک صحیح از ماهیت واقعی او در حالی‌که‌ای از ابهام قرار دارد. چگونه یک دانشجوی تاریخ تحصیل کرده از بروکلین به اوج امور مالی، سیاسی و اجتماعی آمریکا رسید؟ چگونه اپستین از نزدیک شدن به اخراج در شرکت بیر استرنز به مدیریت ثروت مایلیاردها رسید؟ ریشه‌های ثروت خودش چه بود؟

در عصارت بزرگ او در منهتن نیویورک انبوهی عکس و ویدیوی غیراخلاقی از دختران جوان و حتی یک گدنرامه جنگی به نام دیگر همراه با پول نقد و جواهرات کشف گردید که نشان از قصد احتمالی او برای فرار داشت (این مواد در اسناد دادگاه ذکر شده بود) اندکی پس از این اتفاق، آکوسا که آن زمان وزیر کار دولت ترامپ بود، زیر فشار اعتراضات به شدتی سایفش در پرونده اپستین، از مقام خود استعفا داد.

در تاریخ ۱۰ اوت ۲۰۱۹، پس از آنکه محاکمه فدرال اپستین برگزار شود، نگهبانان زندان فدرالی در نیویورک جسد او را در سلولش پیدا کردند. گزارش رسمی پزشکی قانونی، علت مرگ را خودکشی به‌راتر خلق‌آویز کردن اعلام کرد. این در حالی بود که اپستین به‌تازگی (پس از یک تلاش ناموفق برای خودکشی در ژوئیه) از نظارت ویژه جلوگیری از خودکشی خارج شده و سلول انفرادی‌اش بدون دوربین فعال و ماه‌بتدی بود. سهل‌انگاری‌های امنیتی مانند غفلت نگهبانان در سرکشی دوره‌ای و نقص سیستم نظارتی به سرعت آشکار شد و دو مأمور بازداشتگاه بعداً به کوتاهی در انجام وظیفه متهم شدند. مرگ ناگهانی اپستین، آن هم در چنین شرایط حساس و پرسش‌برانگیز، بلافاصله موجی از تئوری‌های توطئه و گمانه‌زنی‌ها را دامن زد. برخی معتقد بودند افرادی برنفوذ که از افشای اسرارشان هراس داشتند، در حذف فیزیکی او نقش داشته‌اند. عبارت کنایه‌آمیز «اپستین خودش را نکشت» در شبکه‌های اجتماعی همه‌گیر شد.

با این حال، تحقیقات رسمی اف‌بی‌آی و وزارت دادگستری نتیجه گرفتند که مرگ او خودخواسته بوده است. به‌رغم این نتیجه‌گیری، به علت ابهامات موجود، پرونده مرگ اپستین همچنان یکی از جنجالی‌ترین موارد در افکار عمومی باقی مانده است. تقریباً پنج دهه بعد، و پیش از شش سال پس از مرگش، اپستین به یک وسواس آمریکایی تبدیل شده است. این شیفتگی عمومی تنها پس از آن تشدید شد که دونالد ترامپ در ابتدای امسال از انتشار سوابق تحقیقات فدرال در مورد این مجرم جنسی بدنام خودداری کرد. قبل از اینکه تحت فشارها از این تصمیم خود عقب‌نشینی کند، بخش عمده‌ای از ربع قرن گذشته زندگی اپستین به دقت بررسی شده است. از جمله اینکه چگونه در دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰، او از طریق کار برای غول خرده‌فروشی، لزلی وکسنر، صدها میلیون دلار جمع‌آوری کرد. قبل از اینکه تحت فشارها از این تصمیم خود عقب‌نشینی کند، بخش عمده‌ای از ربع قرن گذشته زندگی اپستین به دقت بررسی شده است. از جمله اینکه چگونه در دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰، او از طریق کار برای غول خرده‌فروشی، لزلی وکسنر، صدها میلیون دلار جمع‌آوری کرد. این حال، درک صحیح از ماهیت واقعی او در حالی‌که‌ای از ابهام قرار دارد. چگونه یک دانشجوی تاریخ تحصیل کرده از بروکلین به اوج امور مالی، سیاسی و اجتماعی آمریکا رسید؟ چگونه اپستین از نزدیک شدن به اخراج در شرکت بیر استرنز به مدیریت ثروت مایلیاردها رسید؟ ریشه‌های ثروت خودش چه بود؟

لرزه بر کاخ وینزور

یکی از نگران دهنده‌ترین اسناد اپستین بی‌تردید به شاهزاده اندرو، پسر ملکه انگلستان و برادر پادشاه کنونی بریتانیا اختصاص دارد. اتفاقات گذشته‌ای که موجب شد اندرو از تمامی مناصب و عناوین سلطنتی خلع شود، به تازگی در کتابی از جیرالد اپستین ارائه شده است. از قربانیان پرونده اپستین، جزئیات بیشتری از اتهامات آزار جنسی توسط شاهزاده اندرو منتشر شده است. در اسناد دادگاه آمده است که جوفری از شانزده سالگی قربانی قاچاق و سوءاستفاده جنسی توسط جفری اپستین بوده است. او همچنین گفته بود که به مردان قدرتمند دیگری از جمله شاهزاده اندرو، «فرش داده شده» و اندرو پیش از رسیدن او به هجده سالگی سه بار به او تعرض کرده است.

ویرجینیا جوفری اوایل سال ۲۰۲۵ به زندگی خود پایان داد.

اندرو لوئی، نویسنده کتاب «ظهور و سقوط خاندان ویندزور» به پایگاه مستقل The Grayzone اذعان کرده که ارتباط جدی دهه‌ها شاهزاده اندرو با جفری اپستین «زودتر- طولانی‌تر و بسیار عمیق‌تر از آن چیزی بود که هر کسی قبلاً اعتراف کرده بود». دوستی آنها چنان فاسد بود که حتی اپستین که خود را «پادشاه روابط نامشروع» می‌نامید، از اشتهای جنسی شاهزاده شوکه شده بود.

بر اساس سال‌ها تحقیق در آرشیوهای بی‌بی‌سی، مصاحبه‌ها و ایمیل‌های فاش‌شده، تحقیقات این نویسنده، تصویری نگران‌دهنده از مزرعه ارائه می‌دهد که تحت حمایت امتیازات سلطنتی بوده، از کودکی به رابطه جنسی معتاد بوده و در نهایت اتحادش با بدنام‌ترین کودک‌آزار جهان او را از هم پاشیده است. این مورخ فاش می‌کند که اپستین نه تنها جوانی مدام از دختران زیر سن قانونی را در اختیار اندرو قرار می‌داد، بلکه از شاهزاده اطلاعات جمع‌آوری می‌کرد و با وظیفه‌شناسی آن را به مواد و سایر سازمان‌های جاسوسی منتقل می‌کرد.

لوئی فاش کرد که اپستین قادر بود جریان مدیومی از اطلاعات حساس از اندرو، از جمله مطالب بالقوه باج‌گیری که می‌توانست به دولت‌های خارجی ارائه دهد، جمع‌آوری کند. اسئیون هافنبرگ، کلاهبردار سریالی و «مربی» سابق اپستین، این روایت را نکرار کرد و ادعا کرد که اپستین از اندرو به عنوان «جایزه سوپربول» خود یاد کرده است. در حالی که به لطف اندرو و اپستین، چرخه سوءاستفاده ظاهراً با تعدادی از دختران جوان - ویژه ویرجینیا جوفری - ادامه یافت. هنگامی که ادعاهای او علیه اپستین در سال ۲۰۱۵ علنی شد، یک تیم بی‌بی‌سی مخفیانه به سراسر ایالات متحده سفر و پرونده‌هایش را بررسی کرد و در عین حال با قربانیان این دو نفر مصاحبه‌های مفصلی انجام داد. در طول مسیر، آنها ایمیل‌ها و نوار ویدیو را دریافت کردند و کشف کردند.

این ایمیل‌ها هیچ نشانه‌ای از بی‌اطلاعی یا ساختگی بودن ادعاهای او ارائه نکردند. لوئی می‌گوید بازرس ارشد تیم بی‌بی‌سی به او گفته است: «در غوش، اندرو و مکسل با هم همکاری کردند تا پرونده‌ای درباره ویرجینیا بسازند تا به رسانه‌ها درز کند.» به عبارت دیگر، این دو نفر برای بدنام کردن یکی از قربانیان خود در دادگاه افکار عمومی، قبل از اینکه بتوان اقدام قانونی را آغاز کرد، تبانی کردند. وقتی سرانجام شکایتی از طرف او مطرح شد، اندرو به جای اینکه با بررسی دقیق روبه‌رو شود، مبلغ هنگفتی پرداخت کرد.

افشای کامل ارتباط اندرو با اپستین می‌تواند برای همیشه کاخ ویندزور را غرق کند. یکی از کارکنان سابق کاخ باکینگهام به لوئی گفت: «آنها هرگز نمی‌توانند از این وضعیت بهبود یابند؛ زیرا رسوایی ناشی از آن «آنها را برای همیشه دفن خواهد کرد». منبع اولیه هشدار داد: «اگر حقیقت بی‌قید و شرط منتشر شود، مردم بریتانیا سعی خواهند کرد خانواده سلطنتی را استیضاح کنند. به هر حال، بسیاری از تخلفات اندرو با هزینه مالیات‌دهندگان بریتانیایی انجام شده است.»

> افشای کامل ارتباط اندرو با اپستین می‌تواند برای همیشه کاخ ویندزور را غرق کند. یکی از کارکنان سابق کاخ باکینگهام به لوئی گفت: «آنها هرگز نمی‌توانند از این وضعیت بهبود یابند»

این عضو خاندان سلطنتی بریتانیا ناخواسته از طرف اپستین جاسوسی می‌کرد، همزمان خودش را به خطر انداخت و او را به ابزاری بی‌نقص تبدیل کرد.

اندرو در بیشتر عمرش از سطح شگفت‌آوری از حمایت و لطف مادرش، ملکه الیزابت، برخوردار بود. یکی از کارمندان سابق در مصاحبه با یک رسانه استرالیایی فاش کرد که کارکنان سلطنتی از مصونیت شاهزاده وحشت داشتند و تا حد زیادی از ایستادن در برابر قلدری‌های وسواس‌گونه او خودداری می‌کردند، زیرا «اعلیحضرت تقریباً همیشه از او حمایت می‌کردند و او کاملاً از این موضوع سوءاستفاده می‌کرد.»

پیوندهای آشکار با موساد

> اپستین با دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا و خارجی همکاری می‌کرده است. در سند اف بی آی آمده: «منبع انسانی محرمانه به این باور رسید که اپستین یک عامل موساد جذب‌شده بوده است»، و به گزارش‌های پیشین اف‌بی‌آی اشاره می‌کند. در ادامه افزوده می‌شود: «اپستین به ایهود باراک، نخست‌وزیر پیشین اسرائیل، نزدیک بود و تحت نظر او به‌عنوان جاسوس آموزش دیده بود.»

یک یادداشت محرمانه‌زدایی‌شده اف‌بی‌آی از پرونده‌های اپستین که در سری جدید اسناد اپستین منتشر شد، شامل مواردی است که ارتباط معنادار اپستین با سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی (موساد) است. شاید همین باعث شد نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاهو را وادار کند که ارتباط موساد و اپستین را تکذیب کند.

این یادداشت که در سال ۲۰۲۰ نوشته شده، بخشی از تحقیق اف‌بی‌آی درباره نفوذ داخلی یا خارجی بر روند انتخابات ایالات متحده بوده است. این سند بر اطلاعات یک منبع انسانی محرمانه (CHS) تکیه دارد و در میان انبوهی از اسناد مرتبط با اپستین قرار دارد که توسط وزارت دادگستری آمریکا منتشر شده‌اند. منبع می‌گوید: «ترامپ توسط اسرائیل به دام افتاده یا تحت نفوذ قرار گرفته است و جردکوشنر مغز متفکر واقعی پشت سازمان او و ریاست جمهوری‌اش است.» این یادداشت همچنین می‌گوید اپستین با دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا و خارجی همکاری می‌کرده است. در آن آمده: «منبع انسانی محرمانه به این باور رسید که اپستین یک عامل موساد جذب‌شده بوده است»، و به گزارش‌های پیشین اف‌بی‌آی اشاره می‌کند. در ادامه افزوده می‌شود: «اپستین به ایهود باراک، نخست‌وزیر پیشین اسرائیل، نزدیک بود و تحت نظر او به‌عنوان جاسوس آموزش دیده بود.»

اپستین و باراک رابطه‌ای ده‌ساله داشتند. باراک که در اوایل دوران حرفه‌ای خود از چهره‌های ارشد اطلاعات نظامی اسرائیل نیز بود، بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ بیش از ۳۰ بار از خانه شهری اپستین در نیویورک بازدید کرد.

در یکی از تبادل‌های ایمیلی، اپستین به باراک نوشت: «باید روشن کنی که من برای موساد کار نمی‌کنم.» باراک پاسخ داد: «تو با من؟» اپستین جواب داد: «اینکه من کار نمی‌کنم.»

این سند این ادعاها را به توافق اعتراف سال ۲۰۰۸ اپستین مرتبط می‌کند و از گفت‌وگویی ادعایی نام می‌برد که در آن وکیل او، آلن درشوویتس طرفدار اسرائیل و الکس